

سال اول | اول شهرالاسما ۰۳ | بدیع | بیست و نهم مرداد ماه ۱۳۲۵ | شماره ۰ سیزدهم

آهنگ بدیع قبل از انتشار بتصویب محفل مقدس روحانی طهران میرسد

از مشترکین گرام کسه تا کون وجوه اشتراك خود رانپرداخته اند و بسا موعدا اشتراكشان منقضی شده مستدعی است برای پرداخت و تجدید اشتراك تمام روزها را از صبح ساعت ۱/۴ ۷	آهنگ بدیع از انتشارات کمسیون نشریه لجنه جوانان بهائی طهران وجه اشتراك ۱۹ شماره ۱۰ ۵ شماره آدرس مجله حظیرة القدس ملی صندوق مکاتبات مجله آهنگ بدیع جنب دربی ورودی مجمع جوانان	اگر در میان کتب و مجلات خود شماره ها از مجله نجم باختر و روزنامه خورشید خاور و یا اخبار امری در آید آنها را بکتابخانه آهنگ بدیع هدیه فرمائید و بایادریافت
---	--	---

تا ساعت ۹ بعد از ظهر دفتر مجله مراجعه فرمایند

قیمت آنها را در اختیار کتابخانه مذکور بگذارید

مدرسه تابهستانه

آهنگ بدیع و خوانندگان

دومین دوره مدرسه تابهستانه از ۱۵ مرداد شروع و اول شهریور خاتمه خواهد یافت

۱- آقای محمد حسین بختیاری نیاوندی - لوح مبارک ارسالی واصل گردید بسیار متشکریم

دوره سوم مدرسه از اول شهریور شروع و تا ۱۵ شهریور ادامه خواهد داشت

۲- آقای احمد انصاری (تسکین) دو فقره اشعار ارسالی رسید بینهایت شیرین و مورد پسند است

د اوطلبین دوره سوم قبل از انقضاء موعده مذکور (اول شهریور ماه) جهت ثبت نام خود بسه

مراسله بنام شما در دفتر آهنگ بدیع موجود بعدیتر دفتر مراجعه و دریافت دارید

حظیرة القدس دفتر نشر نجات مراجعه فرمایند محل تشکیل کلاس شمیران خواهد بود

۳- آقای عبدالصمد ستوری نژاد اشعار و قصائد شما که هنگام حرکت بشیراز فرستاده بودید واصل

مراجعه بکتابخانه

از حسن نیت شما سپاسگزاریم

یکشنبه و سه شنبه ساعت ۴ بعد از ظهر

لجنه جوانان

جمعه ساعت ۸-۱۱ صبح

روزهای شنبه سه شنبه چهارشنبه ساعت ۶/۵ بعد

هیئت تحریریه آهنگ بدیع در تصویب و اصلاح و اصلاح مقالات مختار است

از ظهر در حظیرة القدس تشکیل میگردد روزهای چهارشنبه از ساعت ۶/۵ وقت پذیرائی لجنه میباشد

تک شماره ده ریال

## فهرست مندرجات

۱- حضرت ولی امرالله	صفحه ۳ و ۴ و ۵	بقلم آقای علی اکبر فروتن
۲- نجات مشکبار	صفحه ۷ و ۸	-
۳- تاریخ حیات آقا سید مهدی گلپایگانی	صفحه ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲	بقلم آقای فضل الله شهیدی
۴- اخبار	صفحه ۱۳ و ۱۴	-
۵- ادبیات	صفحه ۱۵	اثر طبع ( حسین )
۶- صلح یا مقصد اهل بها	صفحه ۱۶ و ۱۷	بقلم آقای سیروس ارجمند
۷- اطفال	صفحه ۱۸	نگارش آقای روحی اریاب
۸- روش نطق کردن باید چگونه باشد تا موثر افتد . . .	صفحه ۱۹	بقلم آقای منوچهر تابان
۹- نهنگ آتشی	صفحه ۲۰ و ۲۱	بقلم آقای اشراق خاوری
۱۰- سؤال جواب	صفحه ۲۱	-
۱۱- صورت حساب عوائد و مخارج سنه	-	-
۱۲- ابدیع تشکیلات جوانان بهائی طهران صفحه ۲۱	-	-

عکس روی جلد : جناب آقا سید مهدی گلپایگانی مربوط بصفحه ۸ - ۱۲

شهرالاسماء من سنة الجاد ۱۰۳ بدیع تقویم آهنگ بدیع من الواحد السانیه من كل شئ اول

ایام هفته	اسماء	مرداد	رمضان	اورت	ایام هفته	اسماء شهرورد	شوال	اورت	تعطیلات
سه شنبه بهاء	۱	۲۹	۲۲	۲۰	جمعه	۱۱	۸	۲	۳۰
چهارشنبه جلال	۲	۳۰	۲۳	۲۱	شنبه	۱۲	۹	۳	۳۱
پنجشنبه جمال	۳	۳۱	۲۴	۲۲	یکشنبه	۱۳	۱۰	۴	میر سینا
جمعه عظمة	۴	شهرورد	۲۵	۲۳	دوشنبه	۱۴	۱۱	۵	۲
شنبه نور	۵	۲	۲۶	۲۴	سه شنبه	۱۵	۱۲	۶	۳
یکشنبه رحمة	۶	۳	۲۷	۲۵	چهارشنبه شرف	۱۶	۱۳	۷	۴
دوشنبه کلمات	۷	۴	۲۸	۲۶	پنجشنبه سلطان	۱۷	۱۴	۸	۵
سه شنبه کمال	۸	۵	۲۹	۲۷	جمعه ملک	۱۸	۱۵	۹	۶
چهارشنبه اسماء	۹	۶	۳۰	۲۸	شنبه علا	۱۹	۱۶	۱۰	۷
پنجشنبه عزة	۱۰	۷	شوال	۲۹					

در خطبه الواح مبارکه

وصایایین بیانات اغراض حل

نازل قوله العزیز :

# حضرت ولی امر الله

( بقلم آقای علی اکبر فرورتن )

مضمون ماند ۰۰۰ اگر

چنانچه نفس مخالفت نمود

مخالفت بحق کرده و سبب تشتت امرالله

شود و علت تفریق کلمه الله گردد ۰۰۰ مقصود

این است که ایادی امرالله باید بیدار باشند بمحض

ایشکه نفس بنای اعتراض و مخالفت با ولی امرالله

گذاشت فوراً آن شخص را اخراج از جمع اهل بهیاء

نمایند و باید ایبهانه از او قبول ننمایند ؟ انتهى

در آغاز صباوت و ایام طفولیت آنحضرت یکس از

زنهاى امریکادرسنه ۱۹۰۲ حضور حضرت عبدالبه

عرض میکند از فراریکه ما از کتب آسمانی استخراج و

استنباط کرد ه ایم ولی امرالله بعد از عبدالبه باید

نفسی باشد که الآن طفل است و موجود آید رست

فهمید ه ایم یا خرید ر جواب او این لوح مبارک صادر

شده است نیویورک میس اف دریتن .

\* هو الله \*

یا امة الله ان ذلك الطفل مولود و موجود و سیکون

له من امره عجیب تسمعیین به فی الاستنبال و تشاقت

باکمل صورة و اعظم موهبة و اتم کمال و اعظم قوه و

اشد قدرة يتلثلا وجهه تلثلا يتنور به الآفاق فلا

تنس هذه الكيفية مادمت حيا لان لها آثارا على

میرالد هور و الاعصار و عليك التحية و الثناء ع

ترجمه ای کمیز خدا محققان طفل تولد یافت

موجود است و زود است که برای او امرعجیبی باشد

در آیند ما ترا میشنوی و او را میبینی باکملترین صورت

و بزرگترین موهبت و تمامترین کمال و بزرگترین قوت

و شدیدترین قدرت میدرخشد روی او چنانکه آفاق

( والتحية و الثناء و الصلوة و البهيا على اول

غصن مبارك خضل نضريان من السدرة المقدسة

الرحمانية منشعب من كلتي الشجرتين الرهانيتين و ابدع

جوهره فريدة عصما تتلثلا من خلال البحرين المتلاطمين

۰۰۰ و اتيسعوا النوالذي يلوح و يضي من فجر الهدى

من بعدى الا و هو فرع مقدس مبارك منشعب من الشجرين

المباركتين طويي لمن استظل في ظله المعدود على

العالمين ۰۰۰ )

در متن الواح مقدسه منوره این عبارات عالیات نازل :

ای باران مهریان بعد از مفقود این مظلوم بسا بد

اغصان و افنان سدره مبارک و ایادی امرالله و احیای

جمال ابهی توجه بفرع دوسدره که از دوشجره مقدسه

مبارکه انبات شده و از اقتران دوفرع دوحه رحمانیه

بوجود آمده یعنی شوقی افندی نمایند زیر آیت الله

و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان

و ایادی امرالله و احیای الله است و مبین آیات الله ۰۰۰

و جمیع افنان و ایادی و احیای الهی باید اطاعت اونما

و توجه باو کنند من عصی امره فقد عصی الله و من اعرض

عنه اعرض عن اللوم من انكره فقد انكر الحق این کلمات

و امیاد اکسی تاویل نماید ۰۰۰ من جاد له فقد جادل

اللوم من جده فقد جحد الله و من انكره فقد انكر الله و

من انحاز و افترق و اعتزل عنه فقد اعتزل و اجتنب و ابعد

عن الله عليه غضب الله عليه فهد الله و عليه نعمة الله

حصن متین امرالله باطاعت من هو ولی امرالله محفوظ و

باور روشن شود پس این کیفیت را فراموش ننما مادامیکه زنده هستی زیرا برای آن آثاری است در طی روزگارها و قرنها و بر تو یاد تحیت و نناء .

الواح عیارکه وصایا وقتی نازل شده است که حضرت ولی امرالله مراحل اولیه سنین طفولیت را سپیمود هاند یعنی از همان زمان کودکی یا راده نافذ آلهس و مشیت غالبه ربانی مقام عظیم ولایت و مرجعیت احیاء الله برای ایشان مقدّر بوده است .

بعد از صعود حضرت عبدالبهاء حضرت ولی امرالله ینهایت قدرت و عظمت و کمال جلال و سطوت زمام جامعه بهائیه را بدست گرفته حصن حسین امرالله را از هجوم دشمنان و بغض و عداوت میبغضان و فتنه و فساد اهریمنانه محفوظ و مصون داشته گشتی امرآلهس را در ریای پر انقلاب حوادث مددهسه و وقایع مخوفه بساحل مقصود رهبری فرموده اند . هرچند کومه نظرائی چند بگمان خود خواستند در اساس امرالله خللی اندازند و جمیع اهل بهاء را پیریشان و متفرق سازند و علم اختلاف و نفاق را برافرازند ولی قدرت و سطوت آنحضرت چنان آنانرا محو نمود که بمقصود خود نرسیدند و بکمال نومیدی در گوشه ای خزیدند و از شجر مکر و حیل و تزویر خویش شمردند .

امرآلهس در دوره فرخنده حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه روز بروز بر توسعه و عظمت خود افزود و برائش تعلیمات و تشویقات متوالیه آنحضرت افراد جامعه بهائیه در مشرق و غرب عالم نیامی عاشقانه نمودند و بوظائیف روحانیه خویش عامل شدند تا آنکه در یرتوتائیدات و توفیقات متتابعه وفد اکاری و جانفشانی افراد جامعه

و سیر و حرکت مبلغین و ناشرین در ممالک و دیار صیبت امرالله جهانگیر شد و در ۷۸ اقلیم از اقالیم عالم علم امر آلهس بلند گردید کتب و مطبوعات امری یا لسنه عدیده ترجمه و تقریبا به ۵۰ زبان طبع و منتشر گشت و نفوس مهمه منتد ره منجمه یکی از تاجداران علیها حضرت ملکه رومانیاد را استان مقدس جمال ابهس خاضع و خاشع گردیدند . اساس تشکیلات بهائیه بر روی پایه محکم و متین انتظا صحیحه استوار شد و محافل مقدسه روحانیه محلیه و ملیه در اقالیم مختلفه تأسیس و در بعضی از ممالک اروپا و ایالات متحده امریکا محافل ملی و محلی بهائیه از طرف دولت برسمیت شناخته شد .

بنای مشرق الاذکار امریک که اولین سنگش بدست مبارک حضرت عبدالبهاء نهاد شده بود در ایام مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه تکمال و اتمام شد . محفظه آثار بین المللی در اراضی مقدس تأسیس گشت و قصر مبارک بهجی بتصرف امرآلهس یا حسن طراز تعمیر و غرقه های آن بنای مقدس متبرک مزین بکتب و آثار امریه گردید خلاصه دوائر و تأسیسات روحانیه در ظل هدایت و توجهات مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه بومانیوما در اتساع و مجهودات و مساعی باران آلهس در سیل اجرای او امر مبارک و تعالییم مطاعه و خدمت بعتبه سامیه مقدسه آلهیه آنا فائنا درازد یاد است و اگر بخواهیم آنچه که در ایام مبارک حضرت ولی امرالله در عالم امرواق شده و ترقیاتی را که نصیب جامعه پیروان امر حضرت بهاء الله گردیده يك يك شرح دهیم این مختصر میدل بکتاب مفصل شود .

از همه مهمتر شهادت خود آنحضرت است که در لوح منبع مبارک مورخ سنه ۱۰۱۰ اشاره بترقیات جامعه بهائی و اقدامات مجدانه پیروان امرعظیم الهی فرموده قولاً <sup>حلی</sup> :  
 "نظم بدیع جهان آرایش نقاب از رخ بر انداخت و دعائم قصر مشینش بید حلیان دلیرش در نهایت استحکام و بر حسب وصایای محکمه متقنه مرکز عهد اقومش مرتفع و منصوب گردید در خلال این احوال مروّجین مبنای سامیه اش در بسط غیرا بعزمی آهنین و انقطاعی بینظیر مشتت گشتند و با بعد مدن عالم مهاجرت نمودند و در جزائر بعیده در محیط اعظم متوکلا علی الله متوطن گشتند تلب مرد اصفای علیا حضرت ملکه محظمه را بمنزله محبت الله بر بودند و در اعلی المقامات کوش استقلال شرع بهسرا یکوفتند و در تشریح و تبیین اصول مدنیت الهیه و اقامه شعائر دینیّه و تفهیم احکام الهیه و اعلان انفضال جامعه و اثبات اصالت شریعت سماریه و تشکیل و تسجیل و تزئین عدل محافل روحانیه و وضع <sup>تیسر</sup> دساتیر و قوانین و انظمه محکمه متینه و تشیید حظائر قدس و معاهد دینیّه و توسعه دائره مشروعات متنوعه مفید و تاکیف و ترجمه و طبع کتب و رسائل نسیمه و تعیین و ابتیاع بقاع متبرکه و مشاهده مقدسه و اماکن تاریخیه و تاسیس اوقاف امریه در مدن و قری در ممالک مختلفه چنان همگی بگماشتند و شهادت و بیسالت و تعاون و تعاضد و ثبات و استقامت بنمودند که عاقبت الامر سراج الهی مشتمل گشت و حبه صخیره خرمی عظیم تشکیل نمود و خرب مظلوم بزرگوار شد و فئه مقهوره قلیله مبدل بهیشت جامعه و موثق و مختصر یو وضع نظم بدیع و اعلان آئینسی مستقل و تشریح شرعی مبین و تاسیس مدنی جدید گشت

نسخات مشهور

\*XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX\*

فرقان بسیار آیات د لیل بر

این است اگرچه نفس آیه د رنظر

نیست ولیکن مضامین آن آیات

ید یفرار است مثلا هوالدی خلنکم ورزقکم افلا تبصرون وهوالدی انیت من الارض نیاتا حسنا افلا تومنون وانزل من السماء ماء افلا تشکرون وخلق السموات والارض وما بینهما واسکن الجبال فضلا من عنده وقلیلا منکم تفقهون پس معلوم میشود آنچه هم مشهود است متعلق بقدرت است عند الله بوده هل من خالق غیر الله قل سبحان الله ما من خالق الا الذی آمنتم به المخلصون بلی اگر گفته شود که معجزات که منسوب بانبیاء قبل شده اگر صدق بود حال هم باید ظاهر شود اینمطلب هم حرفی نیست که عقول منبیره وافتده زکیه متمسک باوشوند بسیار میشود که امورها از قیل واقع شده و حال نشده با بالعکس ولکل امر خزائن عند ربکم ینزلها کیف یشاء علی قدر من عنده ذلك ربکم رب آباءکم الاولین مثلا هریس سنه عمافی عد ایامکم تعدون وتحصون ثم تحسبون د بعضی بلاد طاعتی ظاهر میشود آیامدت تأخیر آن میتوان انکار نمود که چنین چیزی محقق نبوده والا باید حال هم ظاهر شود امورات د بگره از قیل ظاهر شد و حال نیست با بالعکس واگر گفته شود که چرا حال امری از امورات قدرت محضه و شئونات صرفه ظاهر نمیشود تا نسبت علو ارواح عالیتر و سمو انفس مقدسه شود بلی هذا حق بمثل ما انتم فی البیان تنطقون والله المثل الا علی ان انتم تعلمون نظرنما جبریان این شط که مشهور

نازله از قلم جمال قدم جل جلاله است که پس از مراجعت از سلیمانیه د بغداد از قلم مبارک نازل شده و صورت آن این است :  
 قد اکثر القول فی ذلك ولكن الناس لا يفقهون آنچه از ظهورات معجزات که در شد آنچه نسبت باین حقیر است کذب افتراء العکذ بون و آنچه نسبت بنقطه اسلبه و منیع فیض اولیه و مرایای مستحکمه از داده شده صدق یغوز به المخلصون ولكن آنچه از سما مکرمت و حساب مرحمت د ربیان نازل فرموده اند حجت کلیه ود لیل منعمه و جز تنزیل آیات چیزی قرار فرموده اند لم یزل ولا یزال این بود حجت خدا بر اهل ارض اگر امری از معدن لطف و بهاء دین آن ظاهر شد فضلا من الله بود والا اعظم حجت همانست که خود قرار فرمودند و من اصدق من الله حدثا ود یگری بعضی نباید انکار صرف نمائند در ظهور آنچه نسبت بانبیاء داده شده زیرا که عقل عیاد میزان نمیشود اگر بعین بصیرت ملاحظه شود آنچه د رارض مشهود است قیل از ملاحظه آن جمیع ناس از عالی و ادانی از ادراک آن عاجز بوده و هستند و خواهند بود مشاهده نماد در شمس سما که باین مقدار که مشهود است چگونگی کل من علی الارض از مشرق و مغرب و سایر جهات همه رایب جهت وضیاء میدهد البته قیل از مشاهده آن از تعریف و توصیف عقل اقیال نمیشود د رتمدیق چنین شیئی در کل شئونات صنع ملاحظه نماتا سرا سر کشف شود و کل اشیا معجزه انبیاء بوده و هست فلرجع البصر هل تری من فطور و در

است در حین طغیان و از د باد حرکت میکند و جاریست آنچه میکند در رانند از خود ثابت است آنچه از اطراف از نفوس ضعیفه فریاد کنند که سد معظم خرق شد یا سد فلان محل باطل گشت یا فلان بیت خراب شد و فسلان قصر منهدم گشت هیچ اعتنا ندارد رکمال قهر و غلبه و قدرت و سلطنت سایر وسایر است و در جمیع مراتب تساوی حرکت مینماید مثلاً عمارت از هر که باشد چه از سلطان و چه از مسکین نزد سطوة او یک حکم دارد مگر آن عماراتیکه استقلال در استحکام خود دارند کذلک لکم الامثال المعلمک بما انتم فیه توفنون نظیر اذ تبق کن و بصیر اذ تبق نما تا از نفعه طیب بهجت و سنا بر قلبت وارد شود و بر عرش سکون متمکن شوی اینست اعظم امور و اکبر آن تستطیعون ان تجدون و دیگر آنکه ملاحظه نما اگر شخص مقتدری بخواهد شط را سد نماید و زمام او را بر سلطان قوت و ملک قدرت بآخذ نماید در مراجعت آن چند خانه ها و منزلها خراب شود و چه مقد از نفوس غرق شوند پس اگر چه مراض یا بسه که مدتها در حرقت عطش مبتلا بودند فائز میشوند و بحیات تازه بدیع مشرف میگردد و بقمیص جد بد ممتاز و مفتخر میآیند کذلک بیدع الله ما یشاء یا مروه ما من الله الا ربك رب العالمین و همچنین در اسرار قضائیه و قند به ملاحظه نما که آنچه ظاهر شده و میشود مثل این شط امور در محل خود جاریست و ساکن اگر امری ظاهر شود برخلاف آنچه قد رخلاف در عالم احد اکتی شود اگر باین رمز قیق رفیق که اخفی از هر سر است ملتفت شوی مستغن میشوی از آنچه سؤال شده و میشود . نقطه احدیه و ذات صفت در هر عهد و قرن که اراده فرمود آن شط حقیقی و بحر واقعی را از هیکل جد بد و قمص بد بظواهر جاری فرماید

آنهم عمارات وجود و تصورات نفوس افکیه غرق گشته هلاک شدند و در نهایت عطش و غایت ظمأ مستغرق شدند و معدوم گشتند و اینقدر ملتفت نگرددند که شریقی از آن بیاشامند کذلک یحیی الله من یشاء و ینتی من یشاء ان انتم تعرفون خاصه اگر در طغیان شط هویه که از شمال احدیت جاریست اریح شوقید و زیدن گبر و چقدر از نفوس عالیه و اولوالافئد موصورات محکمه و بناها عمده متفتنه رفیعه منهدم و معدوم خواهد شد فوالذی امسك السموات بقدرته و اجری البحار بامرته که اگر خوف از اغلال مکتونه در اصد از نمیبود هر آئینه جمیع امثال لاهوتیه و د فائق احکام جبروتیه را در همین جریان شط ظاهره تمام مینمودم ولیکن چه گویم که هیچ اقبال ندادم از شدت حزن و آرد و هم نازله این ایام را در میان یأجوج و ماجوج نطق میتلا شده ام از خد امیظلم که اسکند بر آنازل فرماید تا سد ی حائل نماید . اشارات غیبیه در این عبارات مکتون شده و حروفات قد سیه در این کلمات مخزون گشته هنیئاً لمن اخذ لثالیها و عرف قدرها و وصل الی لقاءها و بعد مشهود بوده و معلوم آمده که اصل اختلافات از اقصی عوالم معنی الی ادنی مراتب الفاظ بعلت اختلاف صور مرایا است هر کس از آنچه در راوست حکایت میکند و روایت مینماید مثلاً در زمین مثال شط ملاحظه نما که بیک قسم جاری است و نسبت او بهمه قصوراتها عمارات مسوی ولیکن هر آرد به که بیشتر کنجا پیشد آرد بیشتر او خیزد نماید و هر رسد بکه استحکام آن کمتر است کمتر نما و مست مینماید پس این اختلافات از محل برخواست و همچنین ملاحظه نماد را اشراق شمس از لیه (بقیه در شماره بعد)

سال اول

آهنگ بدیع

# آقای سید محمدی گلپایگانی

جناب آقا سید مهدی گلپایگانی

شماره سیزدهم

آئین مخصوص میسپارند و

سفارشات لازمه میفرمایند که آقا

ایقلم آقای فضل الله شهیدی

در ششم جمادی الاولی سال

سید مهدی که اهل فضل و کمال و شخصی

۱۲۸۰ هجری قمری در گلپایگان

تولد شده اند والد ماجد شان آقا سید ابوالقاسم امام  
 جمعه گلپایگان بوده و بینهایت محل توجه اهالی  
 آن محل واقع و از حیث علم و کمال در بین اقران و امثال خود  
 ممتاز و بزرگ و تقوی معروف و مشهور بوده اند جد پنجم  
 حضرت گلپایگانی آقا میرزا ابوالقاسم یکی از علمای معروف  
 عصر خود بوده و نسب آقا سید مهدی پس از ۲۷ پشت  
 بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام میپیوندد  
 ابتدا ایشان در گلپایگان بتحصیل مشغول گردیده  
 سپس برای اكمال معلومات و تحصیل فنون و علم مختلفه  
 حرکت باصفهان نموده پس از فرا گرفتن مقدمات و تبخیر  
 تام در علم ادبی وارد رشته فقه و اصول شده و سالیان  
 چند در نزد استادان بزرگ باخذ علم مذکوره مشغول  
 بوده و کاملاً در این رشته باسع میگردند و برای تحصیل  
 حکمت الهی مسافرتی بسلطان آباد عراق نموده و پیش  
 از سه سال در آنمدینه بتحصیل حکمت پرداخته و بعد  
 از اكمال دوره آن مراجعت باصفهان مینمایند و همواره  
 در بین طلاب بفضل و کمال وافر مشاریالبنان بودند  
 حضرت ابوالفضائل علیه بهاء الله الایهی عمه زاد  
 ایشان در اصفهان در صد تبلیغ و هدایت مشارالیه  
 بامر مقدس بهائی بر میآیند و جلسات عدیده با ایشان  
 در زمینه امرالک انام مباحثه و مناظره نمود <sup>موفق</sup>  
 بهدایت ایشان که در اخیانی که حضرت ابوالفضائل از  
 اصفهان عزیمت مینمایند با آقا سید مصطفی اصفهانی که  
 از بهائیان معروف شهر اصفهان بوده و سایر دوستان

است دانشمند و با استعداد مراقب او باشید و وسیله  
 هدایت او را فراهم سازید اگر مبلغی یا بن صفحات آمد  
 حتماً ایشان را ملاقات دهید شاید هدایت شود و بنعمت  
 ایمان بامر جمال اقدس ایمنی متنعم گردد و خدمت  
 شایسته در آیند به عالم امر انجام دهد جناب آقا سید  
 مهدی برای نگارنده تعریف میفرمودند که شی آقا  
 سید مصطفی مرا بمنزل خود دعوت نمود و علت دعوت را  
 چنین اظهار داشت که شخصی سیاح بهائی که مردی  
 است جهان دیده و با اطلاع و متبصر در ادیان و عقاید  
 مختلفه بتازگی وارد ملاقات شماها ایشان بی نتیجه  
 نخواهد بود بنا بر فرور و کبریامینتی که داشتم بعزم غلبه  
 و فتح در مناظره دعوت ایشان را پذیرفته و در مجلس مزبور  
 حاضر شدم و خود را کاملاً برای مبارزه و مناظره و مجادله  
 آماده و مهیا نمودم شخص معهود که جناب حاج میرزا  
 حید راعلی اصفهانی علی الله مقامه بوده اند پس از  
 انجام تعارفات رسمیه و قوانین ادبیه میفرمایند که  
 من شخصی هستم بی علم و سواد و ادعای فضل و کمالی  
 ندارم ولی در ضمن سیر آفاق و انفس ملاقات بانفوس  
 عدیده از هر طبقه و دین و مذهب بهره از معارف الهیه  
 برده و حقائق را فهمیده ام آنچه میدانم برای شما  
 بیان مینمایم اگر مقبول افتاد فتم المراد والا بحث و  
 جدلی با کسی نداشته و بنا بر خصوص قلم اعلی متعرض  
 عقائد و مفهومات دیگران نمیشم بیان این مطلب با  
 این لحن ساده و ولین و صداقت و حذاقت تام و حالت



## سال اول

## آهنگ بدیع

## شماره سیزدهم

خضوع و خشوع حضرت ایشان در موقع مکالمه ابهت و جلال و جبروت مراد هم شکست و مرابرائتبه و بیسدار ساخت و حاضر شنیدن مطالب ایشان شدم و از لجاج و عناد که از خصائص طلاب علم دینی است دست کشیدم خلاصه پس از جلسات متعدده و مذاکرات زیاد بالاخره مدعن و معتقد گردیدم که امر مقدس بهائی من جانب الله و راه مغری جز قبول برای شخص حقیقت پژوه نیست این بود که سر تسلیم فرود آورده و بشرف ایمان فائز گشتم و از عالم گمراهی و ضلالت نجات یافته بجهان هدایت و انوار وارد گردیدم .

پس از تصدیق بامر مبارک در اواخر سنه ۱۳۰۸ هجری قمری بحزم تشرف بحضور حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی از اصفهان حرکت نموده بهمدان میآیند و سه حسب خواهش در استان آنسامان مدت ده ماه در آن مدینه توقف نموده بملاقات احبائه الله و نشر نجات الله و هدایت طالبین میپرد ازند بعد از آن بجانب بغداد رهسپار گردیده پس از ورود و قلیلی توقف در آن سلام خیر صعود جمال اقدس ابهی میرسد از این خبر هشت اثر بینهایت افسرده و دلشکسته و مهموم و مخموم گردید و اکثر اوقات با آه و ناله و حنین و انین همراه بوده انسد پس از توقفشش ماه و چهارده روز در ارض زورا عزیمت بشطر مدینه منوره عکا مینمایند و بزیرارت حضرت عبدالبهاء ارواحنا لعلیودیه الفداء و روضه مبارکه فائز میشوند و از فوز یلقای حضرت مولی الوری و عنایات و الطاف مولای مهربان قلب شکسته و روح افسرده شاد تسلیت یافته و از بحر بیانات هیکل اطهر در احیان تشریف کاملاً مستفیض و مستفید میشوند و پس از ده ماه

توقف ایشانرا مرخص فرموده و بنا بر امر مبارک بعشق آباد میآیند . از قراریکه ایشان اظهار میفرمودند قرار بود مدتی زیاد تر در ارض مقدس متوقف باشند بلکه آنجا مجارو گردند و بخدمات روحانیه قائم زیرا حضرت عبدالبهارو زی بایشان میفرمایند که ما میخواستیم شمار آمدنی مدید نگاه داریم تا لذت سجن را بچشید ولی بعد ابواسطه احضار ابوالفضائل از عشق آباد به ساحت اقدس که قبلا علت عدم عزیمت خود را متعذر باین نموده بود که عشق آباد بواسطه مرکزیتی که پیدا کرده و زائرین زیاد از ایران از طریق قفقاز و عشق آباد برای زیارت مشهد رضا علیه الاف التیحیه و الثناء رفت و آمد مینمایند و بهائیان مدینه العشاء کاملاً با اسم امر معروف و مشهورند و بعد از واقعه شهادت حضرت شهید مجید حاجی محمد رضا اصفهانی بین اختیار و اغیار فصل واقع گردیده و اهمیت موقع اینمدینه باین لحاظ شایسته چنانست که شخصی از اهل بهاء که اهل فضل و کمال باشد در اینمدینه ساکن تا در احیان لازمه بتواند جواب مسئله و مراجعات نفوس مختلفه را داده و مشکلات آنانرا حل نماید و تا شخصی قائم مقام ایشان در این نقطه نباشد حرکتشان مفید بمصالح امریه نخواهد بود بدین سبب جناب آقا سید مهدی را برای انجام این امور اجازه مرخصی داده و برای توقف در عشق آباد امر صاد فرمودند ایشانهم امتثالاً لامرئیه لاه باکمال طوع و رغبت امر هیکل اطهر را پذیرفته و رهسپار عشق آباد میشوند و در سال ۱۳۱۱ هجری قمری وارد مدینة العشاق میگردند و حضرت ابوالفضائل

## سال اول

## آهنگ بدیع

شماره سیزدهم

چندی پس از ورود ایشان بساحت اقدس عزمت میفرماید.  
پس از ورود بعشق آباد در اثر همت و اقدام ایشان و سایر  
احبابی الهی مدرسه "پسرانه" بهائی تأسیس میگردد و  
از جمله معلمین آن مدرسه مبارکه جناب آقا سید مهدی  
گلپایگانی بوده و سالیان زیادی در این مدرسه با حقوق  
جزئی بتدریس و تعلیم مشغول بوده و سایر اوقات خود  
را بتبلیغ نفوس و تشویق احباب و بیان حقائق امریه در مجامع  
یاران ما لوفی بوده اند و چندی هم در مطبوعه "فیود وروف"  
بتحریر و سردبیری روزنامه "مجموعه" ماورا بحر خزر  
اشتغال داشته و باز هم کمانی السابق در خدمات <sup>حائیه</sup> روز  
ساعی و جاهد بوده اند. چندی هم در مرو شاهجهان  
بسمت معلمی مدرسه بهائیان آن مدینه تعیین و در  
احتفالات و اجتماعات یاران بالقاء نطق و خطابه مشغول  
بود و رانجمنهای تبلیغی بهمدایت نفوس مستعد مسی  
پرداختند پس از انقلاب روسیه (اکتبر ۱۹۱۷) و اعطاء  
آزادی قلم و نطق چند نفری از احباب معارف پیور در صدد  
تأسیس مجله ای برآمدند و برای مدیریت مجله مزبوره  
که بعد اینام "خورشید خاور" تسمیه شده جناب آقا  
سید مهدی رانا مزد و از مرو ایشان را برای انجام این امر  
طلبیدند ایشان هم قبول نمود و بعشق آباد آمد و مجله  
مزبوره تأسیس و زینت بخش عالم مطبوعات بهائی گردید  
و مدتی دائر و نشرات متحد ده آن چند سالی مرتباً منتشر  
میگردید بالاخره غیم کتیفه مشکلات حجاب و حائسل  
خورشید خاور شد و او را از افاضه انوار و افاده حرارت باز  
داشت. یکی از خدمات مهم و برجسته ایشان القاء  
خطب و ایراد نطق در مجامع اروپائیان بود که همه هفته  
بهمت یاران تشکیل میشد و گروهی از دانشمندان و

منورالفکرهای ملل مختلفه و مذاهب و مسالك متنوعه  
در آن مجمع حضور بهم رسانیدند و از تعالیم آسمانسی  
امر بدیع اطلاعات کافی تحصیل نمودند و مسائل متنوعه  
علمی و دینی و فلسفی بحث میشدند و همه از محضرات ایشان  
راضی و قانع خارج میشدند و نفوس کثیر از امر الله  
مطلع و جمعی نیز اقبال نمودند حتی در همان مجامع  
عمومی که پیش از این صد نفر از پائی حاضر میشدند  
نطق و خطباتی راجع بامر الله ایراد مینمودند.  
یکی دیگر از خدمات برجسته و مهم ایشان مشارکت  
در مجالس مناظره دینی بود که حکومت جلیله  
شوروی اجازه تأسیس و تشکیل آنرا در تمام روسیه  
اعطا فرموده بود و در مسائل مختلفه دینی مناظره  
میشد و هرله و علیه ادیان خطباتی از طرف ناطقین  
القاء میگردد (اولین جلسه مناظره که در عشق  
آباد تشکیل شدیم چهارشنبه ۸ ژوئن ۱۹۲۱  
میلادی در باغ باشگاه ستاره بود و عده حاضرین  
زیاده از پنجاه نفر بودند جناب آقا سید مهدی  
از طرف بهائیان ابتدا نطقی مفصل راجع بتاریخ  
امر بهائی و مزایای تعالیم امر جلیل بیان نمودند  
و نطق ایشان را آقای دکتر عباس زین بروسی ترجمه  
مینمودند و این جلسات سه روز متوالی ادامه داشت  
و از غروب که شروع میشد تا نیمه شب طول میکشید و  
نفوسیکه بر علیه دیانات ایراد نطق مینمودند عبارت  
بودند از آقای گوسوفو باریسوف و سنیتین و یگانیه  
کسی که در آن مجلس مجلل و باشکوه حمایت و دفاع  
از ادیان مینمود شخص شخیص آقا سید مهدی بود  
و در جلسه که باریسوف در ضمن نطق خود بیبهائیان

اهانتی کرد که نگران در این مقاله خارج از نزاکت است  
 در نویسه خود آقا سید مهدی بایبانی بسیار متین و محکم  
 و منطقی نسبت با اهانت او بنا ظم مجلس که سنیتین بود  
 اعتراضی شدید نمود که جرأت ر موقع خود از او مانعت بعمل  
 نیارده و اجازه داده است که در چنین مجمع عظیمی  
 که برای روشن شدن حقائق است که چندین هزار سال  
 است مورد بحث و مناظره علماء و حکما است تشکیل یافته  
 شخصی که خود را در صف دانشمندان جلیل می شمارد  
 نسبت بعقیده ملتی برخلاف اهل علم و ادب کلماتی  
 خارج از نزاکت بیان کند بنا بر این از طرف خود و جمعیت  
 بهائی شدیداً با این روش اداره نمودن این مجلس را  
 اعتراض مینمایم فی الحین رئیس مجلس بپای ایستاد و عذر  
 خواهی نمود و قول داد که بعد انظائر آن اتفاق نخواهد  
 افتاد و در جلسات بعد دیگر باریسوف در صحنه عرض  
 اندام ننمود و اظهار وجودی نکرد تفصیل این جلسات  
 خیلی مفصل است باری بر کل حاضرین معلوم و مشهود  
 گردید که در یانت مقدسه بهائی روح عصر و مطابق علم  
 صحیح و عقل سلیم است و جمیع ادیان در او ائیل خالی  
 از هرگونه اوهام و خرافات بوده و آنچه امروز بنام دین  
 مخرفی میشود بافته و برداخته علمای دین و روحانیین -  
 بوده است (۰)

در سنوات بعد هم جلسات متعدد در اوقات مختلفه  
 برای مناظره دینی تشکیل میگردد و در تمام آنها آقا سید  
 مهدی گلپایگانی را رسماً دعوت مینمودند و در آنجماع  
 عظمی و محافل کبری احتفالات القاء خطابات مهمه  
 نموده و فی المجلس سئوالات عدیده کتباً و شفها میگرداند  
 و ایشان بالبداهه جواب شافی کانی میفرمودند .

کسانی که در این مجالس مهمه حضور داشتند شهادت  
 و شجاعت ادبی و سعه اطلاعات و زبردستی و موقع  
 شناسی و نکته دانی حضرت گلپایگانی را ادراک مینمودند  
 و چشم سروسر تائیدات متتابعه حق را مشاهده می  
 کردند زیرا موقع بینهایت مهم و خطیر بود و مشارالیه  
 خوب از عهد بر می آمد و حق جل جلاله او را موفق می  
 فرمود خلاصه فتح و ظفر آئین آسمانی بر سایر ادیان و  
 مسالک کالشمس فی رایعة النهار مشهود میگردد و  
 یفرج المؤمنون بنصر الله کاملاً مصداقش هوید بود .  
 ایشان در دود نعه بمسکوبرای انجام وظائف روحانیه  
 که از طرف محفل روحانیان بهائیان عشق آباد مأمور  
 داشتند مسافرت فرمودند و در استان آن عاصمه را  
 تشویق و تحریص بخد مات یادهه روحانیه نموده و  
 بانفوس طالبه ملاقات و در مجامع پیروان فیلسوفه  
 و نویسندگه شهر روسی گت تولستوی خطباتی را  
 بامر مقدس بهائی او فرمودند و برای تسهیل امور  
 روحانی اهل بها و تقاضای طبع آثار امری بمقامات  
 دولتی مراجعه نمودند که در بعضی قسمتها موفقیت  
 حاصل شد و در برخی نتیجه مطلوبه مأخوذ نگردد .  
 جناب آقا سید مهدی در ویران داشتند یکی امام جمعه  
 گلپایگان و ارشد از ایشان که با وجود مذاکره احبابا  
 ایشان و مکاتبه جناب گلپایگانی برای راهنمایی  
 ایشان بشریعه ربانیه در عالم اسلامی باقی میمانند  
 دیگری آقا سید فخرالدین بود که بامر بهائی مؤمن و  
 مدتی در رهند و بعد در ایران سائر وینشر نجات الهیه  
 و تعلیم و تربیت اطفال مشغول بودند و در یلواچی بود  
 که در سال ۱۳۲۱ هجری قمری که منجر بشهادت

عده کثیری از بهائیان مظلوم گردید چیزی نمانده بود که گرفتار و برتبه شهادت نائل گردند ولی هر طور بود از شر اعدا محفوظ ماند و با اینکه از آقا سید مهدی سنسنا کوچکتر بود قبل از ایشان در خطه فارس صعود باقی بماند نمود و مجلس تذکری بنام مقصود الهی از طرف جناب آقا سید مهدی در عشق آباد تشکیل و الواحی که از قلم اعلی یافتند از ایشان عز نزول یافته بود در آن احتفالی تلاوت گردید ایشانهم اهل علم و ادب بوده و علاوه بر لسان عربی و فارسی زبان انگلیسی را خوب میدانستند و در نزد و نقاط اخری بتدریس این زبان مشغول بودند

جناب آقا سید مهدی از جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایا شهم الفدا بشرف نزول الواح متعدد و مفتخر بودند که در جمیع اظهار عنایات لاتخصی در حق ایشان شده و خدمات باهره حضرتش را تمجید و تقدیر فرموده و ابراز لطف و مرحمتی مخصوص نسبت بایشان میفرمایند. آثار قلمیه جناب آقا سید مهدی آنچه بنظر فاتی میرسد باینقرار است

۱- مقالات مجله خورشید خاور که زیاد از یکصد مقاله میشود.

۲- رساله بهائیت و سوسیالیزم (بطنج رسیده)

۳- قسمت مهم از کشف الغطاء

۴- دستور زبان فارسی (بطنج نرسیده)

۵- دروس اخلاقی ست

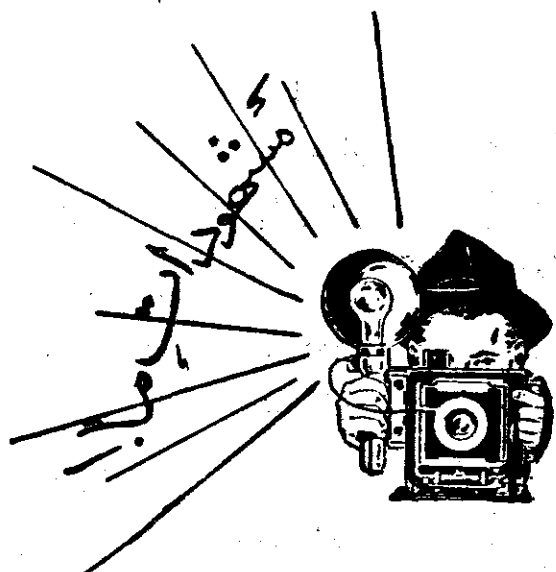
۶- رساله استدلالیه که فاتمام

۷- در او خرایام در صد تالیف کتبی بوده اند راجع

بایثبات مطالب دینی از نقطه نظر عقل و علم و چهار مقاله آنرا نگاشته بودند و با تمام آن موفق نگردیدند

باری در سال ۱۹۲۸ در شب ۲۲ فوریه در اثر نقاهتی مختصر روح پرفتوحش بملکوت ابهی طیران نمود جناب

ان آثار تا تدل عیثا  
انظروا بعد نالی الآشار  
ما فعلا آسایش روح و علویت مقام او را از ساحت  
حق جل جلاله خواهانیم



## تشکیل مدرسه تابستانه :

خوانندگان عزیزمژده، تشکیل مدرسه تابستانه راد رشمیران پس از سالها انتظار شنیده اند و شرحی راد ریاب اهمیت تشکیل و تأسیس و چگونگی اداره این مدرسه در نشریه محفل مقدس روحانی قرائت فرموده اند اینک مختصراً پرگرام این مؤسسه را که از تفرعات نظم بدیع است بنظر خوانندگان میرسانیم .

محصلین سحر از خواب بر میخیزند و پس از تلاوت آیات در مشرق الاذکار ورزش میپروازند پس از صرف صبحانه درس آغاز میشود موضوعی از تاریخ حیات حضرت پناه الله توسط جناب سلیمانی تعلیم میشود و عصرها همان موضوع مورد بحث قرار میگیرد .

نظم بدیع رانیز جناب فروتن تدریس مینمایند . پس از ختم کلاس محصلین گرد هم جمع شده و با ستغنائمات موسیقی میپروازند .

پس از صرف نهار تا ساعت ۵ بعد از ظهر فراغت دارند سپس کلاس شروع میشود .

برای اطفال نیز کلاس مخصوصی تشکیل شده که تاریخ مختصر امروقه، های شیرین و اخسلاقی میآموزند .

## در مجمع جوانان :

یوم یکشنبه ۱۳ مرداد ماه در مجمع جوانان بهائی طهران بطوریکه با اطلاع خوانندگان محترم رسید جشن اولین سال تشکیل مجمع ضمن اجرای برنامه جالبی برگزار شد .

خطابه مفصلی توسط جناب کاظم کاظم زاده در ریاب

تأثیر ظهورات مقدسه الهیه در تکامل تمدن بشری و کیفیت فرهنگ و ادب و دانش که میبایست در سایه تعالیم این ظهور بدیع با جلوه خاص ظهور نماید قرائت شد . سپس یک حلقه فیلم رنگینی زیبا از مقام اعلی بمعرض تماشا گذارده شد و راپرت یکساله مجمع و بیان حساب مجمع راجناب سرگرد سرالدین علائی ( ناظم محترم مجمع ) باستحضار اعضای مجمع رسانیدند . روزهای شنبه و چهارشنبه کافی السابق بر نامه امری مجمع جوانان بموقع اجرا گذارده میشود این برنامه ها عموماً جالب و قابل استفاد است .

روزهای پنجشنبه ورود بمجمع جوانان برای

عموم اخیای الهی آزاد است .

روز چهارشنبه ۲۰ مرداد :

نطق در موضوع " تمرکز قوای دماغی "

توسط آقای منوچهر ثابتیان در سالن مجمع

جوانان اجرا خواهد شد .

سال اول

آهنگ بدیع

شماره سیزدهم



خوانندگان محترم !  
در شماره های قبلی اخبار  
و مراسلاتی که از احبای عزیز  
آلمان واصل گردیده بود به  
ضمیمه یک فقره عکس احبای  
آنسامان از نظر خوانندگان  
گرامی گذشت .

اینک تازه ترین عکسهای  
راکه توسط جناب ذبیح از  
آلمان رسیده است و شرح  
آن در مجله اخبار امری  
شماره سوم صفحه ۴۸ درج  
و در نشریه هفتگی شماره ۱۴  
سال دوم محفل روحانی  
بهبائیان طهران صفحه  
۹۱ نقل گردیده است از  
نظر دوستان گرامی میگذرانیم  
عکس فوقانی کانونشن هدیه السنه  
را نشان میدهد .

در وسط جان دیکن اورا همراهمی

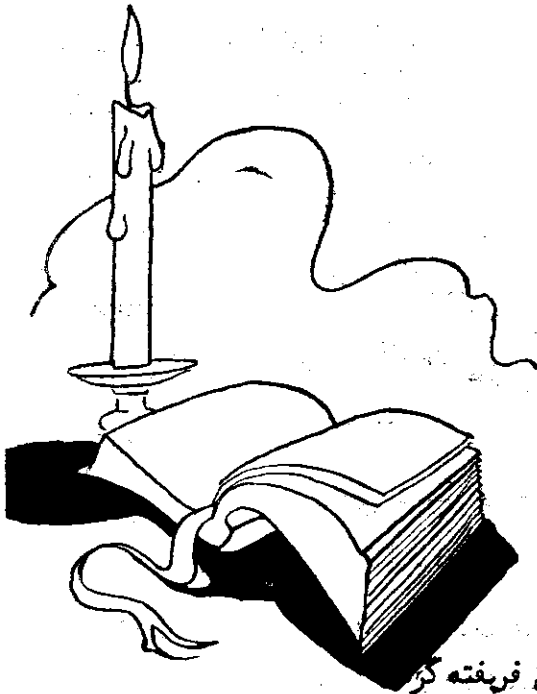
است که وسیله ارتباط آنان با سایر نقاط میباشد  
عکس تحتانی اعضای محترم محفل مقدس ملی بهبائیان  
آلمان است . بطوریکه خوانندگان در اخبار امری  
محفل مقدس روحانی ملی که اشاره شد خواننده و یا  
مطالعه خواهند نمود .

امید داریم بتوانیم من بعد از اخبار و بشارت دوستان  
آلمان و سایر نقاط درج کنیم .

### مسابقه های ورزشی

اخیراً رونق تازه در قسمت ورزش نمود ارشده  
و در چند هفته پیش مسابقات پرشوری طبق  
برنامه معین و وضع مرتب در زمین ورزش انجام  
یافته است . امید داریم که تربیت جسمانی بیش  
از پیش مورد نظر و علاقه جامعه جوان ترارگیرد  
و نشاط و نهضتی جدید در راه ورزش پدید آید .

جسم و جان



روح توای نفحه لطافت یزدان  
 روح توای خلعتکرامت رحمان  
 روح توای مظهر بقا و بزرگی  
 روح توای گوهر گرامی انسان  
 روح توای منبع صفا و لطافت  
 روح توای لایزال چشمه حیوان  
 روح توای پایگاه عرش ملائک  
 روح توای آستان درگه سبحان  
 جسم بتوزنده و توحسب در آنست  
 جلوه گری کی توان نمود بزنده آن  
 در قفس تن چگونه روح تواند  
 بال گشودن بطرف روضه رضوان  
 هیچ بخود دیده که روح ز قالب  
 لختی فارغ شود چه نشاء هد آن  
 طور که موسی گردید بهر عبادت  
 گشت در آن آشکار آتش عمران  
 روح مسیحا پس از رهائی از تن  
 سوی سما اوج کرد و ساخت ایوان  
 جسم ز فرش است و فانی است اچار  
 روح ز عرش است و باقی است بدوران  
 هیچ بصیری روان باقی خود را  
 پست سازد بطرف فتنه شیطان  
 هیچ عقلی بمفت می نفرود  
 سهل چنین پر بهای گوهر تابان  
 جیفه دنیا وفا و قدر ندارد  
 از کفاینان شود بدامن انسان

هر که بمال جهان فریفته گرد  
 بهره ورنیست جزندامت و خسروان  
 اینهمه ملک و منال و نعمت دنیا  
 مایه عیش است بهر مردم نادان  
 ارزش جان نیست کم ز مال و ز روسیم  
 نی زعقیق یمان و لعل بدخشان  
 ای عجب این چیست مردمان بهمه عقل  
 گوهر جان را دهند ساد هوارزان  
 گرنفسی جان من زیده جسمی  
 سریدر آرد شوم بمنزل جانان  
 راحتیم از حقد و دشمنی و حسادت  
 فارغیم از اضطراب و اندوه و حرمان  
 بال و پر جان مرا زعره غبری  
 بریکشد تا فراز عرشه کیوان  
 روح بگیریم بهرش همچو مسیحا  
 پانگ برآم بعشق همچو سلیمان  
 (حسین)

سال اول

ب - علل اجتماعی و اخلاقی  
با تمام صد ماتی که دیده اند و با تمام بیلا یا نیکه بر جهان بیان وارد آمده است گروهی میگویند و تکرار میکنند که مبارزه قانونی است طبیعی که اساس کلیه قوانین دیگر طبیعت است اگر بشر

آهنگ بدیع

صلح  
یا مقصد اهل  
بها  
(۷)

بقلم آقای سیروس ارجمند

شماره سیزدهم  
دارد که بموجب آن همواره انسان مایل است تعدی نماید و بالنتیجه دست بر اموال ضعیفان گشاید - مال آنان برد و خون زبردستان ریزد بدین معنی که زیست کردن از \* ذره ذره همچو دین یا کاسری \* آن کس است که قوی است .

سرد سته کسانیکه جنگ را برای بشر لازم دانسته اند و صحنه حیات را میدان مبارزه میدانند و بیان میکنند که ملتی در عالم حق حیات دارد که قویتر از همه باشد و ملل ضعیف اگر چه بنفائل و ملکات اخلاقی آراسته باشند حق حیات ندارند نیچه است که میگوید بکش یا کشته شو .

فرد ریش نیچه در ۱۸۴۴ بدینیا آمد خانواده پدری مادرش همه کشیشان پرستان بودند و او را بتحقیق الهیات گذاشتند ولی او از الهیات بلکه از مسیحیت دور گردان کرد و در زبان یونانی تبحری بسزا داشت و در دانشکامیال شهر معتبر سوئیس با ستادی پذیرفته گشت هنوز جوان بود که گرفتار علت مزاج شد ناچار از مصلحت دست کشید و ۱۰ سال تمام با بیماری کشمکش کرد و تصانیف مشهورش نیز در همین دوره ظاهر گردید سرانجام در ۴۵ سالگی گرفتار جنون شد و پس از آنکه ۱۱ سال در اینحال باقی ماند در ۱۹۰۰ درگذشت

خلاصه عقاید نیچه چنین است که نوع بشر در دست اند گروهی بینوایان و بردگان وضعنا و بیچارگان و گروهی دیگر اقویا که صاحبان ضیاع و عقارند و در

\*Fridrich nitzsche.

مبارزه فردی و اجتماعی متوسل و متشبث نگردد و برای ابقای خویش بجنگ نبرد از انحلال و نیستی او محرز مییابد چه که جنگ برای هر دو بروحی لازم است میگویند اگر خوب نگر کنیم عاقلانه نیست که انسان از یکطرف تمام قوای خود را بتدارک و تربیت افراد بگمارد و یاد دشمنان طبیعی خویش روز و شب در ستیز و جنگ باشد و سعی کند عوامل بیمهاریهای گوناگون را کشف کند تا از بروحی را نجات دهد و از جنگ غریبتر برگزیند و از سوی دیگر بدست خود خمپاره سازد و در برانداختن کاخ سعادت هموعان بکاراندازد و وقتی فکر کنیم و در غل فداکاری اول و خونریزی ثانی نظر افکنیم از خود سؤال خواهیم کرد که اگر بشر مانند سایر موجودات تابع توانینی است که بموجب آن باید از انقراض خود جلوگیری کند پس چرا بجان هم افتاده است و اگر این سبب نیکو و بیجا است چرا برای حفظ خویش میکوشد و در ایجاد وسایل راحت خود جهدی جهید مبذول میدارد پس باید گفت که این کیفیات فرع انتظامات عالیتری است و بشر در صحنه پهنای طبیعت بازیگری بیش نمیباشد یعنی همراه غرایز بشری که دست خلقت در ما بود یعه گذاشته یک غریزه دیگری نیسز وجود



زمره اشرا محسوب - این دودسته بدین شک دشمن اند  
 وبخون یکدیگر تشنه و هریک سعی دارد که تحصیل عقیده  
 کند و نظریات خود را برد دیگری بقبولاند ولی چون ترقی  
 دنیا و بسط زندگی انسان بوسیله بزرگان و ثروتمندان  
 صورت میپذیرد پس باید این طبقه پرورش یابند و کلیتاً  
 هیئت اجتماعی که از ضعفا تشکیل شده است برای پیشرفت  
 کار آندسته کارکنند تا آنکه زمینه برای نژادیکه از حیث  
 قدرت فوق جمیع نژادها و شایسته سیادت است برسد  
 وجود آید و آن نژاد را فوق انسانی نامید - آری در این  
 زمینه است که نیچه عفو و اغماض را از بیهمتای و سستی میداند  
 و رأفت و رقت قلب را از عجز و ضعف میشمرد و فروتنی و تواضع  
 را از فرمایگی و سستی میداند و بطور خلاصه میگوید باید از  
 دنیا متمتع شوم هرچه بیشتر بهتر پس هرچه برای حصول  
 این مقصود مساعد است اگرچه قساوت و بیرحمی و مکرو  
 فریب و بالاخره جنگ وجدال باشد پسندیده و مطلوب  
 است .

از پیروان معروف این عقیده یکی ترایچکه است و دیگری  
 ژنرال برنهاردی که تا توانستند حس و خد توانستند از  
 دشمنان و مدح زور و قدرت را تقریر کردند اینجانبسی  
 مناسبت نیست شمه از افکار ترایچکه مورخ مشهور  
 آلمانی که ترجمان روح میلیتاریسم بیان کنیم .  
 مطابق نظریه ترایچکه دولت از هر چیز مقامش بلندتر  
 و شامختر است و محدودیت و فشار اخلاقی نباید هنگامی  
 که منافع آن اقتضای کاری مینماید موجود باشد -

ترایچکه حقوق بین المللی را خیالی خام و وجود دادگاه  
 بین المللی را فکری پست و ناپسند میشمرد و داوری بشر  
 را جنگ میداند و آنرا رحمتی از جانب پروردگار ندانم

که حق جل جلاله برای بشر مقدر ساخته است و  
 وظیفه دولت است که مزیت و برتری خود را ثابت کند  
 و ضعف را از بین ببرد و قدرت خویش بنمایاند .

باید دانست که این طرز فکر و فلسفه از قرن ۱۷  
 بتدریج ظاهر گردید و اولین کسیکه بانظریه خود  
 در جدیدی در سیاست ایجاد نمود نویسنده  
 متفکر فلورانس موسوم ب ماکیاوول بود که در کتاب معر  
 خویش موسوم به پرنس در حالت نظریات مذهبی و  
 اصول روحانی را در اداره امور کشور صحیح ندانست

و ذکر نمود که باید در هر کشوری دولتی مقتدر بوجود  
 آید و از کلیه مسائل اخلاقی و غیر اخلاقی مشروع و  
 نامشروع برای تأمین یک دولت قوی استفاده نماید  
 و بالاخره دنباله همین فکر بود که ۱۶۴۰ هـ پس در  
 کتاب ( قوانین طبیعت و قواعد سیاست ) خوبلزوم  
 قدرت نامحدود پادشاهان و اطاعت بی قید و شرط  
 را اظهار کرد - باری همین فلسفه برتری و

ارجحیت بود که آلفرد روزنبرگ که یکی از علمای نهضت  
 ناسیونال سوسیالیسم آلمان بشمار میآید در کتاب  
 خود بنام ( افسانه قرن بیستم ) سعی میکند -  
 عقیده نیچه را روشن و اثبات نماید و تکرار کند که اگر  
 ملت ما توانسته است نیروی شهادت خود را حفظ  
 کند از تأثیرات برکناری از آئین مسیحیت و نوع پرستی  
 بوده است چه که نیچه اخلاق مسیحی را اخلاق  
 بندگی میداند و گفتگوی برادری برابری و صلح  
 طلبی رعایت حقوق رنجبران را منشاء خدعه و تزویر  
 و فریب میشمرد .

روزنبرگ قدرت بیحد را لازم دانست ( بقیه در شمار )

## مخصوص اطفال

## از سنگ گل روئیده است

## نگارش آقای روحی اریاب

فرزندان عزیزم امشب میخواهم برای شما داستان شیرینی حکایت کنم .

در قزوین یکی از شهرهای ایران است و در امر بهائی زنان و مردان مؤمن و لاوری از آنجا پیدا شده اند مردی بود لال ولی فوق العاده شرور بقسمی که همه مردم را اذیت میکرد کتک میزد و حتی کسی نمیتوانست از ترس نزدیک او برود . مردم از او میترسیدند و همینکه در کوچه پیدا میشد فرار اختیار مینمودند . بهائیهها در صد در آمدند و بهر وسیله که ممکن بود او را تبلیغ کردند آن لال بهائی شد و مردم دیدند که بسیار آدم خوبی شده است دیگر هیچکس را اذیت نمیکرد کتک نمیزد خلاصه آنکه بکلی عوض شده بود مردم قزوین که از دست او در عذاب بودند دانستند که او بهائی شده است و دست از حرکات سابق خود برداشته . قشیه بالعکس شد مردم شروع کردند بازار را اذیت او . بیچاره در کوچه و خیابان که راه میسرفت از دست مردم راحتی نداشت او را اذیت میکردند و فحش میدادند سنگ بطرفش پرتاب میکردند بچههای شیر آب دهان بصورتش میانداختند ولی او ابد اعتنا نمیکرد و روی خود را بر میگرداند این شخص شروری که هیچکس از دست او راحتی و آسایش نداشت طبعی تغیر اخلاق داده بود که دیگر متعرض مردم نمیشد و هر زحمت و غذایی را تحمل میکرد زیرا میدانست که بهائی باید خلیق و سلیم باشد آزارش بکسی نرسد از دست وزیران مردم در امان باشند .

روزی حضرت عبدالبهاء از جناب حاجی میرزا حیدر علی

که یکی از قدمای و مبلغین برجسته امر بهائی بودند سؤال فرمودند که جناب حاجی میرزا حیدر علی در خبر است در روز ظهور از سنگ گل میروید تعبیر آن چیست؟

جناب حاجی میرزا حیدر علی حکایت فوقربیان فرمودند و عرض کردند که من با چشم خود این قضیه را دیدم . قلب این مرد لال سخت تر از سنگ بود ولی در اثر دستورات الهی بقسمی نرم شده بود که اخلاق خوب از او دیده میشد پس از سنگ گل روئیده است .

## (چند نصیحت)

۱- هر روز اوقلا یک ساعت بازی و تفریح کنید و حرف آنها را که میگویند بچه ها باید آرام و گوشه نشین باشند قبول نکنید فقط سعی نمائید بازی و تفریح شما اسباب زحمت کسی نشود و نرسد و وقتتان را نگیرد .

۲- اطفال عزیزه اشعار و قصه های فکاهی را تا آنجا بخوانید که سبب تفریح شما بشود نه آزار قدر که در فکر شما موثر شده و ذوق حقیقت طلب شما را از بین ببرد و همه چیز را بچشم مسخره نگاه کنید

۳- اطفال عزیزه همیشه از حرف راست پشیمانان کنید و با گوش ندادن بحرف های رفقای خسرو پسند خود آنها را از تکبر نجات دهید و سعی کنید خودتان نیز همیشه از خود پسندی که بدترین عیبها است احتراز کنید .

۰۰۰ اگر قوافی و سجع و کنایات و استعاراتی که روز بروز بوجه شدید تری در نگارشات مخصوصاً نطقها و خطابهها ماد رظهور و بروز است بیش از این برای افراد جامعه جوان بهائی که خواهان درک سریع مسائل و اخسند نتیجه آنی است قابل تحمل میبود هیچگاه اینعبد که یکی از آحاد این جامعه میباشد دست بنگارش این سطور نمی گشود .

باید اذعان داشت که روش امروزی اکثر جوانان مادر نطق و نگارش بنحوی است که الفاظ مانع از درک معانی اصلی شده است .

یک جوان بهائی هنگامیکه گوش بسخنان ناطقی میدهد و با مراسلات و مکاتیب هیئتی را مطالعه میکند هیچگاه انتظار شنیدن و خواندن الفاظ شورانگیز و کنایات دقیق و نکات باریک ادبی ندارد . بلکه مایل و شائق است هرچه زودتر مسائل لازمه را استماع کرده و از لحاظ جامعه و وظیفه فردی خویش نتیجه بگیرد .

به همین جهت وقتی با اینگونه الفاظ و قوافی مواجه میشود زمام اختیار از کف داده و منظور از حضور خود در آن محفل را فراموش کرده و معوض فهم معانی متوجه نکات دقیقه ادبی میشود و این برای جامعه که نیت و مقاصد بزرگی در پیش دارد نقصی است عظیم و قطعاً نتیجه نیکویی نخواهد داشت .

چرا جوانان ما با وجود نصوص مبارکه حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه از لحن و روش خطابات مبارکه محضرت عهد البهائ که کاملترین نمونه نطق و خطابه است

پس روی نمی نمایند ؟

۰۰۰۰۰ اکنون بیمناسبت نیست يك قسمت از بیانات صریحه حضرت عبدالبهائ را راجع بچگونگی نطق و نگارش که در سفرنامه مبارکه محفوظ و موجود است در اینجا ذکر شود .

۰۰۰ فرمودند " به بینید که ورقهای بزرگسی را بخط ریز سیاه کرده اند و من باینحالت خواندم . می بینم از اول تا آخر يك مطلب ندارد . تحریر و انشا باید محض ادای مطالب و اظهار مقاصد باشد . نه صرف تعارفات و ترتیب عبارات " انتهى

ما انتظار روزی را میکشیم که جوانان فد اکا رهبا در مجامع عیدیه نقاط مختلفه دنیا سخن از حقانیت مظهر ظهور را نند و اثبات امر مقدس الهی کنند آیات تصور میروند که در چنان مجامعی بتوان نطقهای قافیه دار و مشحون از اشارات و استعارات و کنایات و صنایع لفظی ایراد نمود ؟

کافی است که جوانان ما روش خطابات مبارکه را در نظر گیرند تا خطبا و ناطقین و نویسندگان سخن سنج در جامعه ما پدید آید و قافیه سازی و عبارت پردازی متروک شود و حقاً تفاهت معانی جلوه نماید . (انتهی)

تاریخهاییکه در قرن اول بهائی دارای اهمیتند  
 ورود عرش مبارک حضرت باب بارض ۱۳ ژانویه  
 اقدس ۱۸۹۹  
 قلعه بندی مجدد حضرت عبدالبهائ ۲۰ اوت  
 در عسکا ۱۹۰۱

بقیہ از شمارہٴ تبیل :

پیر فرمود حضرت بہاء اللہ در کتاب اقدس کہ در عگا نازل شدہ و حاوی احکام و فروع مفروضہ است درد و آیہ و نیز در کتاب عہدی کہ غیر از کتاب اقدس و پلسان پارسی نازل شدہ صریحا میفرمایند کہ اہل بہاء و مومنین بامر مبارک باید بعد از صعود مظہر امر اللہ در تبیین و تشریح بینات و حل معضلات و تساویل متشابہات بحضرت غصن اللہ الاعظم مراجعہ فرمایند و این نص صریح است و بیہیج وجہ تاویل بر نمی‌دارد حضرت غصن اللہ الاعظم نام مبارکش عباس و سال تولد شان لیلہٴ پنجم جمادی الاولی سنہ ۱۲۶۰ ہجری یعنی در همان شبی کہ حضرت اعلیٰ در شیراز اظہار امر بجناب ملا حسین بشریہ ملقب بسہ باب الباب فرمود حضرت غصن اعظم در ظہران از عالم غیب بعرضہٴ شہود قدم گذاردند و قتیکہ حضرت بہاء اللہ را از ظہران بیخدا دنی کردند حضرت غصن اعظم ہم ہمراہ بودند و ہشت سال از سن مبارک میگذشت در جمیع مصائب و آلام و بلیاتی کہ در راہ نصرت امر اللہ بر حضرت بہاء اللہ وارد شد جناب نسوایہ آسیہ خانم والدہٴ حضرت غصن اعظم و حضرت غصن اعظم شریک و سہیم بودند حضرت بہاء اللہ ایشانرا بکلمہٴ آقا مخاطب میفرمودند عظمت مقام غصن اعظم از الواح و آیاتی کہ از قلم قدرت جمال مبارک یعنی حضرت بہاء اللہ نازل شدہ واضح و آشکار است از جملہ القاب منیعہٴ ایشان "غصن اللہ الاعظم" - "سر اللہ الاقم" من طاف حولہ الا ساء "مولی السوری"

بشما گفتم اگر مایل باشید در یاد کویہ نشانی منزل خود را بشما میدہم تشریف بیاورید تا تفصیل معروض شوند جوان از طرفی متعجب و مبہوت و از طرف دیگر شادمان و مسرور از پیر بزرگوار تشکر نمود و اظہار کرد کہ گاش در تبالہٴ مذاکرات را با خاخام ادامه دہید پیر فرمود بسستہ بمیل ایشان است آنگاہ برای نزہت و تماشا ہر دو از غرفہ بیرون آمدہ در صفحہٴ کشتی ایستادند آخوند قفقاز کہ پیش نمازمردان بود تازہ از نماز ظہر فارغ شدہ و مؤذن سابق الذکر اذان نماز عصر را میداد و دست بگوش - نہادہ فریاد میکشید جوان از پیر پرسید جہتہٴ اینکہ دستہا را بوقت اذان بگوش میگذارند چیست ؟ پیر باتبسمی لطیف فرمود حضرت عبد البہاء کہ مرکز عہد کتاب جمال اقدس ابہی دستند در لوح یکی از اجزای شیراز ( جناب حاجی میرزا حبیب افغان اعلائی) بیانی در بارہٴ رمز این مطلب فرمودہ اند کہ مضمونش اینست : میفرمایند کہ در اوائل حال کہ حضرت رسول اکرم بمدینہ ورود فرمودند و تا سیس مسجد نہادند مومنین چون بگفتن اذان میپزداختند از اطراف گرفتار سنگ جفای معرضین بودند ناچار دستہا را بر گوش میگرفتند کہ سر و گردن و گوش خود را از آسیب سنگ محفوظ دارند و این رویہ سنت شد و هنوز ہم باقی است ولی مسلمین امروز سر آنرا نمیدانند و اگر جہتہٴ آنرا سؤال کنی از جواب عاجز آیند جوان را از شنیدن این مطلب شادمانی دست داد فوز خدمت پیر بزرگوار را مہبتی جلیل دانست و از پیر بزرگوار سؤال نمود مقصود از مرکز عہد و مبین کتاب

حضرت من اراده الله و آقا و مرکز عهد و پیمان و مرکز میثاق و مبین کتاب الله و غیرهاست و چون حضرت به الله چنانکه گفته شد در سنه ۱۳۰۹ هجری صعود فرمودند جمع اهل بهاء بحضرت غضن الله الاعظم متوجه شده و حضرتش خود را رالواح عدیده مبارکه که از لسان مقدس جاری گردیده بلقب عبد البهیا ملقب و معروف ساخته و امروز بهائیان از آن حضرت بهمین عنوان تعبیر مینمایند زیرا رضای مبارکش این است . حرم محترم حضرت عبد البهیا فاطمه خانم ملقب بمنیره خانم است مشارالیهها دختر میرزا محمد علی اصفهانی است میرزا محمد علی معروف بنهری و برادران دیگرش بامربارک حضرت اعلی مؤمن بودند میرزا محمد علی هیچ فرزندی نداشت و در اوقاتیکه حضرت اعلی در اصفهان در منزل امام جمعه میر سید محمد سلطان العلماء بودند و او بامر منوچهرخان از حضرت پذیرائی میکرد شعی برادر منزل میرزا ابراهیم برادر میرزا محمد علی نهری حضرت اعلی و جمعی میهمان بودند میرزا ابراهیم پیشکار و ناظر امام جمعه بود در سفر سفره بحضور مبارک عرض کرد که برادرم میرزا محمد علی تاکنون دارای فرزندی نشده رجاء از ساحت اقدس دام که عنایتی فرمایند تا فرزندی عطا شود هیکل مبارک مقداری غذای دست خود در ظرفی ریخته و فرمودند که بدید بمیرزا محمد علی که با حرمش بخورند تا حاجت روا گرد از عنایت حضرت اعلی دختر نری نصیب میرزا محمد علی شد که همین فاطمه خانم است که حرم محترم مرکز عهد و پیمان الهی است شرح این واقعه را خود حضرت حرم بتفصیل در رساله که مرقم فرمودند نکسر کرده اند آن رساله در فلسطین

بطبع رسیده اگر بدست آوردید مطالعه کنید که بسیار مفید است در اوائل حال بنا بود یکی از دختر عموهای حضرت عبد البهیا که مسماة بشهر بان بوده بحباله نکاح حضرتش در آید ولی بواسطه موانعی این عمل مجری نشد تا این موهبت نصیب منیره خانم شد شرح این مطلب را که گفتیم خود هیکل مبارک در لوحی میفرمایند قوله عزیزانه : " . . . یکی از بنات اعمام از صخر سن باراده مبارک نامزد این عبد شد چون پیغداد آمدیم عم بزرگوار (۱) ساحت اقدس شتافت و گریه کنان رجای تحکیم و توثیق این ارتباط نمود ولی این عبد قبول نینمود عاقبت بامر قطعی جمال مبارک قبول نمود مذلک همواره آرزوی مجرد داشتم تا بادر نه آمدیم و در آدر نه بودیم که عمه خانم بزرگ چون ارتباط بیحیی داشت محض سرور خاطر آن کوشید تا آن بیچاره را به پسر صدراعظم میرزا علیخان داد و از قرار مذکور گریه کنان و هراسان و لرزان رفت و ایسام معدود نگذشت که بمرض سل مبتلا گردید و مسلسلا وفات نمود رحمه الله علیها انتهی ( لوح شیخ قعی ) حضرت عبد البهیا برادری دیگر موسوم بمهدی و ملقب بغضن الله الاظهر داشتند که چنانچه سابقا گفتیم در عکا از فرایم در حال مناجات سقوط کرده و در سن ۲۲ سالگی صعود فرمودند .

(۱) مقصود از عم بزرگوار جناب میرزا محمد حسن برادر جمال مبارک است که باین معنی در آخر لوح ابن الذئب از قلم مبارک تصریح شده و اسم آن دختر بنا بقول مرحوم حاجی میرزا حیدر علی شهر بان بوده است

سئوال از آقای حشمت الله تائید

سئوال و جواب

جواب از آقای اشراق خاوری

۱- چرا حضرت اعلی نقطه اولی میگویند؟

جواب - نقطه اولی در آیات مبارکه الهیه حضرت اعلی جل اسمه اطلاق گردیده و از القاب مهیمنه الهیه آن حضرت است از تجلی نقطه اولیه حروف حق پیدا شدند

۲- نقطه آخری چه کسی است؟

جواب نقطه آخری در لوح کل الطعام که از قلم جمال مبارک جل جلاله بافتخار حاجی کمال الدین نراقی و در جواب سئوال اود ریخداد نازل گردیده و حضرت قدوس اطلاق شده است

۳- ارض صاد کجا است؟

جواب - ارض صاد مقصود اصفهان است که در کتاب بیابان والواح جمال مبارک جل جلاله از آن بلد بارض صاد تعبیر شده

۴- چرا یحیی را زلز و محمد را به نبیل

و اسد را دیان و محمد تقی را الفائق گویند؟

جواب - یحیی را اگر یاد و یا حساب کنیم در عدد با اسم وحید است و هر دو ۲۸ میشود و اگر یحیی را با سه یا حساب کنیم ۳۸ میشود که با اسم ازل مطابق است و اسد با اسم دیان ۶۵ و محمد تقی با اسم الفائق مطابقست در صورتیکه تقی را با د و سا حساب کنیم هر دو ۶۱۲ میشود

۵- چرا مقیاس بعضی چیزها را مبارک واحد است؟

جواب - چون عدد ۱۹ در عدد با کلمه واحد مطابقست

۶- چرا با کوبنا سطر و چهره یق شدیدن نام نهاد هاند؟

کلمه یا سطر با ماه کوشدید با چهره یق مطابقست ماه کوه بهتر از چهره یق و حضرت اعلی سخت نگذ

صورت حساب عوائد و مخارج سنه ۱۰۲ بدیع تشکیلات جوانان بهائی طهران

مخارج		عوائد		شرح	رتبه
ریال	دینار	ریال	دینار		
		۷۲۱۵۰		۱ مبلغ تقبلی واصله در سنه ۱۰۲ بدیع	۱
		۲۱۵۳		۲ عوائد تکثیر لوح مبارک نوروز ۱۰۱ بدیع	۲
		۳۸۲۱۱	۴	۳ عوائد مجمع جوانان ماهیگه بوفه متفرقه	۳
			۲	۴ حق الوصول قبوض توسط تحصیلداران محفل روحانی	۴
		۴۱۲۱۱		۵ مخارج اداری لجنه جوانان (پذیرائی جلسات و غیره)	۵
		۳۳۷۲		۶ مخارج تبلیغ	۶
		۱۳۱۳		۷ مخارج احتفالات	۷
		۲۴۵۹		۸ نشر نفحات (مخارج لازمه)	۸
		۴۶۶		۹ هیئت مالی	۹
		۲۷۵		۱۰ کمسیون ادبیات و تالیفات	۱۰
		۶۰		۱۱ هیئت تحریریه آهنگ بدیع	۱۱
		۲۴۰		۱۲ پرداخت یکمسیون تبلیغ سنه قبل جهت مخارج	۱۲
		۵۰۰		۱۳ پرداخت یکمسیون تبلیغ سنه قبل جهت مخارج	۱۳
		۱۵۰۰		۱۴ پرداخت یکمسیون و لجنه تعلیم زبان بابت تقبلی جوانان جهت کمک برفع بیسوادگی	۱۴
		۳۶۵۹۴	۶	۱۵ ملزومات توزیع شده بین کمسیونها	۱۵
		۴۶۷۳	۵	۱۶ مخارج مجمع جوانان بابت فرع قرضه نونهالان و غیره	۱۶
		۵۰۱۹	۵	۱۷ مخارج زمین ورزش	۱۷
		۱۴۶۶۶	۵	۱۸ مجله و روزنامه حات مجمع	۱۸
		۳۷۲۴	۹	۱۹ مخارج استهلاک اثاثه مجمع جوانان	۱۹
		۱۰۸۳۵	۵	۲۰ تامین برای مطالبات مشکوک الوصول مجمع	۲۰
		۵۰۰۰		۲۱ تامین برای مخارج متفرقه کمسیونها که صورت آن نرسیده	۲۱
		۵۵۰۰		جمع	
		۲۲۲۵۲۴	۴	عوائد اضافه بر مخارج	
		۱۰۰۲۷۰	۷	جمع	
		۱۲۱۴۳	۷		
		۱۹۲۵۱۴	۴		



